

## فرمان آزادی یهودیان به وسیله کوروش کبیر هخامنشی

دکتر رحمت‌ا... رفیع

پاییز ۱۳۸۹

[http://www.iranjewish.com/Essay/Essay\\_38\\_Farman\\_Korosh.htm](http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_38_Farman_Korosh.htm)

.....

منشور کوروش نمونه آشکاری از اندیشه‌ای والا، روح انسانی و عظمت فکری است که به صورت فرمان سیاسی به نام آزادی بشر، احترام به باورها و رسوم ملت‌ها از هر قوم و دسته، از هر رنگ، نژاد و دین در آن دوران صادر شده است. دورانی که هنوز نیمی از بشریت در تاریکی مطلق به سر می‌بردند. استوانه فرمان کوروش در سال ۱۸۷۹ میلادی توسط باستان‌شناسی کلدانی در میان ویرانه‌های بابل کشف گردید و اکنون اصل آن در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. متن منشور را (ا. ل. آپنهایم) در سال ۱۹۵۵ با نهایت ژرف‌نگری برگردان کرده که در کتاب متن خاورمیانه باستان چاپ شده است. البته پیش از او (راولینسن) کاشف رمز نبشته‌های میخی فارسی باستان، (ویستاخ)، (ریختر) و پس از آن بسیاری دیگر متن را تکرار و کامل‌تر کردند. منشور کوروش هخامنشی پیشکشی است از سرزمین ایران برای جهانی که از جنگ و خشونت خسته است و از آن رنج می‌برد. به مناسبت ارسال لوح حقوق بشر و این منشور به مدت چهار ماه به ایران بر آن شدیم تا گوشه‌هایی از این رخداد ارزشمند تاریخ یهودیان ذکر گردد.

سردبیر

یهودیان بابل که پس از تسخیر بیت المقدس و ویرانی آن به وسیله «بخت‌النصر» اسیر و به بابل آورده شده بودند، پیوسته در انتظار نجات‌دهنده‌ای بودند تا قیام کند و آنان را به سرزمین دیرین پدری‌شان بازگرداند. ولی این آرمان تا زمان جهانگیری کوروش به انجام نرسید. یهودیان بابل که آوازه‌ی نوع‌پروری و مردم‌دوستی کوروش را شنیده بودند، برای نجات از وضع وخیم خویش و بازگشت به سرزمین آباء و اجدادی خود همه به وی چشم امید دوخته بودند. از سوی دیگر چنانچه از اسناد بابلی برمی‌آید کوروش نسبت به تمام ملل رثوف بوده ولی مطابق تورات اسناد مذهبی یهودی حاکی از آن است که او نسبت به یهودیان به علت اسارت ممتد آنان توجه خاصی داشته، به هر حال کوروش پس از فتح بابل فرمانی صادر کرد و طی آن اعلام داشت که «یهوه» خدای آسمان‌ها جمیع کشورهای روی زمین را به او داده و به وی امر فرموده که خانه‌ای برای او در بیت المقدس بنا کند. بنابراین کلیه قوم یهود مجازند به بیت المقدس برگردند و در ساختن خانه‌ی «یهوه» خدای اسرائیل شرکت کنند. اسیران یهود در بابل از صدور فرمان کوروش مبنی بر آزادی آنان غرق در شادی شدند. در ضمن در این بیانیه، «مردوک» خدای بزرگ بابلی‌ها نیز ستایش شده است. پس از فرمان مذکور کوروش فرمان دیگری صادر کرد که معبدی را که بخت‌النصر خراب کرده با هزینه‌ی خزانه‌ی دولت خودش پرداخت شود و ظروف طلا و نقره که بخت‌النصر از بیت‌المقدس به بابل آورده است به ملت یهود برگرداند. برطبق نوشته‌ی «کتاب عزرا» ظروفی که مسترد شده است به این شرح است :

سی‌طاس طلا، هزار طاس نقره، بیست و نه کارد و سی جام طلا، چهار صد جام نقره و هزاران ظروف دیگر که جمع ظروف طلا و نقره بیش از پنج هزار و چهار صد عدد بوده است. بنا به گفته‌های «شش بصر» حاکم فلسطینی که خود یهودی‌ها او را انتخاب کرده بودند تعداد یهودیان مهاجر از بابل به بیت المقدس چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر

.....  
بوده که به غیر از غلامان و کنیزان که آنها هم در حدود هفت هزار و سیصد و سی و هفت نفر می‌شدند همراه با آن یهودیان هفتصد و سی و شش اسب و دویست و چهل و پنج قاطر و چهارصد و سی و پنج شتر و شش هزار و هفتصد و بیست الاغ روانه بیت المقدس شدند. از طرف دیگر ملک بابل ثروتمند و حاصل خیز و پر نعمت بود. بسیاری از یهودیان ثروتمند آن زمان از رفتن به بیت المقدس خودداری کردند و در بابل به حرفه‌های مختلف مشغول بودند و آن جا را به فلسطین گرم و فقیر ترجیح دادند.

هرودوت درباره‌ی ثروت بابل می‌نویسد که بابل آنقدر ثروتمند بود که دوازده ماه سال مخارج تمام سرزمین‌های وسیع زیر سلطه کوروش را تأمین می‌کرد. (هرودوت بابل را «آسور» می‌نامید)

### متن فرمان کوروش کبیر

استوانه‌ی فرمان کوروش کبیر در خرابه‌های بابل پیدا شده و اصل آن در موزه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود و خوشبختانه در حال حاضر در ایران عزیز نگهداری و در معرض دید مردم قرار گرفته است. این استوانه فرمان پادشاه ایران کوروش کبیر است ارتش او ۵۳۹ سال پیش از میلاد بدون جنگ و خونریزی وارد بابل شد و در آن زمان وی فرمان داد این استوانه نوشته شود. باید تذکر داد که این فرمان نوشته‌های بیشتری داشته است که قسمت بزرگی از آن شکسته و از بین رفته و قسمت سالم آن هم شکسته بوده که به‌نحو ارزنده‌ای چسبانده شده است ولی هر آن چه باقی مانده است، ارزشمند و گوه‌ربار است.

در این نوشته‌ها کوروش خود، کاهنان و نژاد و تبارش را معرفی کرد. سپس فرمان‌ها را صادر می‌کند این کتیبه به زبان و خط بابلی نوشته شده است.

ترجمه‌ی متن این کتیبه که شادروان استاد دکتر بهرام فره‌وشی در برگردان این متن به فارسی از چند ترجمه‌ی آلمانی و فرانسوی در کتاب Cyrus بهره گرفته و در کتاب ایران‌ویچ به چاپ درآمده به شرح زیر است.

۱- کوروش شاه جهان بزرگ شاه توانا شاه «بابل» شاه «سومر» و «اکد» .

۲- شاه نواحی جهان.

۳- چهار ... من هستم .... به جای بزرگی، ناتوانی برای پادشاهی کشورش معین شده بود.

۴- «نبوئید» تندیس‌های کهن خدایان را از میان برد ..... شبیه آن‌ها را به جای آن‌ها گذاشت.

۵- شبیه تندیس‌های (پرستشگاه) از اگیلا ساخت .... برای «اور» و دیگر شهرها.

۶- آئین پرستشی که بر آنان ناروا بود .... (آورد) هر روز ستیزه‌گری می‌جست هم‌چنین با خصمانه‌ترین روش.

۷- قربانی روزانه را حذف کرد ... او قوانین ناروایی در شهرها وضع کرد و ستایش مردوک شاه خدایان را به کلی به فراموشی سپرد.

۸- او همواره به شهر وی بدی می‌کرد هر روز به مردم خود آزار می‌رساند با اسارت بدون ملامت همه را به نیستی کشانید.

۹- بر اثر دادخواهی آنان «الیل»، «مردوک» خشمگین گشت و او مرزهایشان خدایانی که در میانشان زندگی می‌کردند ماوایشان را رها کردند.

۱۰- او «مردوک» در خشم خویش، آن‌ها را به بابل آورد، مردم به مردوک چنین گفتند: بشود که توجه وی به همه‌ی مردم که خانه‌هایشان ویران شده معطوف گردد.

۱۱- مردم سور و اکد که شبیه مردگان شده بودند، او توجه خود را به آن‌ها معطوف داشت این موجب هم‌دردی او شد، او به همه سرزمین‌ها نگرست.

- ۱۲- آن‌گاه وی جست‌وجوکنان فرمانروای دادگری یافت، کسی که آرزو شده کسی که وی دستش را گرفت، کوروش پادشاه شهر «انسان» پس نام او را بر زبان آورد نامش به عنوان فرمانروای سراسر جهان ذکر کرد.
- ۱۳- سرزمین «گونیان» سراسر اقوام «ماندا» (ماد) را مردوک در پیش پای او به تعظیم واداشت مردمان و سپاه سران را که وی به دست او (کوروش) داده بود.
- ۱۴- با عدل و داد پذیرفت. مردوک، سرور بزرگ، پشتیبان مردم خویش، کارهای پارسایانه و قلب شریف او را با شادی نگریست.
- ۱۵- به سوی بابل، شهر خوش، فرمان پیشروی داد و او را واداشت تا راه بابل را در پیش گیرد. همچون یک دوست و یار در کنارش او را همراهی کرد.
- ۱۶- سپاه بی‌کرانش که شمار آن چون آب رود برشمردنی نبود با سلاح‌های آماده در کنار هم پیش می‌رفتند.
- ۱۷- او (پروردگار) گذاشت تا بی‌جنگ و کشمکش وارد شهر بابل شود و شهر بابل را از هر نیازی برهاند. او «نبوئید» شاه را که وی را ستایش نمی‌کرد به دست او کوروش تسلیم کرد.
- ۱۸- مردم بابل همگی سراسر زمین «سور» و «اکد» فرمانروایان و حاکمان پیش وی سر تعظیم فرود آوردند و شادمان از پادشاهی وی با چهره‌های درخشان به پایش بوسه زدند.
- ۱۹- خداوندگاری (مردوک) را که به یاریش مردگان به زندگی بازگشتند، که همگی را از نیاز و رنج به دور داشت، به خوبی ستایش کردند و یادش را گرامی داشتند.
- ۲۰- من کوروش هستم شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سرزمین «سومر» و «اکد»، شاه چهار گوشه‌ی جهان.
- ۲۱- پسر شاه بزرگ کمبوجیه، شاه شهر «انسان» نوه‌ی شاه بزرگ کوروش، شاه شهر انسان، نیره‌ی شاه بزرگ چیش پیش، شاه انسان.
- ۲۲- از دودمانی که همیشه از شاهی برخوردار بوده است که فرمانروایش را «بعل» و «نبو» گرامی می‌دارند و پادشاهی‌ش را برای خرسندی قلبی‌شان خواستارند آن‌گاه که من با صلح به بابل درآمدم.
- ۲۳- با خرسندی و شادمانی به کاخ فرمانروایان و تخت پادشاهی قدم گذاشتم آن‌گاه مردوک سرور بزرگ، قلب بزرگوار مردم بابل را به من معطوف داشت و من هر روز به ستایش او کوشیدم.
- ۲۴- سپاهیان بی‌شمار من با صلح به بابل درآمدند، من نگذاشتم در سراسر سرزمین «سومر» و «اکدا» تهدیدکننده‌ی دیگری پیدا شود.
- ۲۵- من در بابل و همه‌ی شهرهایش برای سعادت ساکنان بابل که خانه‌هایشان مطابق خواست خدایان نبود کوشیدم .... مانند یک یوغ که بر آن‌ها روا نبود.
- ۲۶- من ویرانه‌هایشان را ترمیم کردم و دشواری‌های آنان را آسان کردم، مردوک، خدای بزرگ از کردار پارسایانه من خشنود گشت.
- ۲۷- بر من کوروش شاه که او را ستایش کردم و بر کمبوجیه پسر تنی من و همچنین بر همه‌ی سپاهیان من.
- ۲۸- او عنایت و برکتش را ارزانی داشت، ما با شادمانی ستایش کردیم مقام والای (الهی) او را همه پادشاهان بر تخت نشسته.
- ۲۹- از گوشه و کنار جهان، از دریای زیرین تا دریای زیرین شهرهای مسکون و همه پادشاهان «امورو» که در چادرها

زندگی می‌کنند.

۳۰- باج‌های گران برای من آوردند و به پاهایم در بابل بوسه زدند از ... «نینوا»، «آشور» و نیز «شوش» .  
۳۱- «اکد»، «اشتویه»، «نرمیان»، «مه تورنو»، «در» تا سرزمین «گوتیوم» شهرهای آن سوی دجله که پرستش‌گاه‌هایشان از زمان‌های قدیم ساخته شده بود.

۳۲- خدایانی که در آنها زندگی می‌کردند، من آنها را به جایگاه‌شان بازگردانیدم و پرستش‌گاه‌های بزرگ برای ابدیت ساختم، من همه‌ی مردمان را گرد آوردم و آنها را به موطن‌شان بازگردانیدم.

۳۳- هم‌چنین خدایان «سومر» و «اکد» که «بتونیه» آنها را به‌رغم خشم خدای خدایان مردوک به بابل آورده بود، فرمان دادم که برای خشنودی مردوک خدای بزرگ.

۳۴- در جایشان در منزلگاهی که شادی در آن هست برپای دارند بشود که همه‌ی خدایانی که من به شهرهایشان بازگردانیدم .

۳۵- روزانه در پیشگاه «بعل» و «نبو» درازی زندگی مرا خواستار باشند، بشود که سخنان برکت‌آمیز برایم بیابند بشود که آنان به مردوک سرور من بگویند : کوروش شاه، ستایش‌گر تو و کمبوجیه پسرش.

۳۶- بشود که روزهای .... من همه‌ی آنها را در جای با آرامش سکونت دادم.

۳۷- .... برای قربانی، اردکان و فربه کیوتران.

۳۸- .... محل‌های سکونتشان را مستحکم گردانیدم.

۳۹- .... و کارش را.

اهمیت چنین استوانه‌ای هنگامی معلوم می‌شود که به پیرامون ایران آن زمان نظری بیفکنیم. پیش از کوروش هنگامی که پادشاهان آشور به سرزمین ایران می‌آمدند، خاک ایران را در کیسه می‌کردند و باز می‌بردند و قتل و کشتار خود را در سالنامه‌های خود می‌نویسیدند و اعلامیه‌های آنها حاوی شرح خونریزی‌های آنان بود. ولی مقایسه‌ی آن اعلامیه‌ها با اعلامیه‌ی کوروش، مقام بلند و والای وی را به‌خوبی آشکار می‌سازد. وی به درخواست مردم بابل بدون خونریزی وارد بابل شد و بی‌آن‌که کسی از او برنجد فرمانروایی کرد و چنان بزرگ‌منش بود که توانست افکار دیگران را هم قبول کند و آنها را در طرز فکر و اندیشه‌ی خود آزاد بگذارد. آنان دین و آئین دیگری داشتند، او به «دین، روش و آداب و رسوم آنها احترام گذاشت و آزادی کامل به بابلی‌ها داد. این استوانه سند گرانبهایی است که از دو هزار و پانصد سال پیش به یادگار مانده و موجب افتخار هر ایرانی است. از آن به‌عنوان نخستین اعلامیه‌ی کهن حقوق بشر در تاریخ جهان یاد شده و متن آن در سالن سازمان ملل متحد در نیویورک منعکس است.

### **هم‌چنین در تورات از کوروش بسیار نام برده شده است:**

«من دست راست مسیح خود کوروش را گرفته‌ام تا به‌وسیله‌ی وی امت‌ها را مغلوب سازم، قمرهای پادشاهان را بگشایم، درها را به روی او بازکنم.»

و این بسیار شبیه اعلامیه‌ی کاهنان بابل در استوانه‌ی کوروش است که چنین می‌گوید:

«او وی را واداشت تا راه بابل را پیش گیرد و در کنار او همچون دوست و یار همراه پیش رفت.»

و در تورات همین اندیشه به نوع دیگری چنین آمده است:

«من پیش روی تو خواهم خرامید و جاهای ناهموار را هموار خواهم ساخت، درهای برنجین را شکسته، پشت‌بند‌های

آهنین را خواهم برید و گنجینه‌ها و خزائن پنهانی را به تو خواهم بخشید تا بدانی که من که ترا به نامت خوانده‌ام

خدایم. من خدایم و دیگری نیست و غیر از من خدائی نیست من کمرگاه ترا بستم هنگامی که مرا نمی‌شناختی تا از

مشرق خورشید و مغرب آن بدانند که جز من خدایی نیست».

در باب چهل و چهارم از تورا درباره‌ی کوروش چنین آمده است:

«من شاهین را از شرق و مشاور خویش را از جای دور می‌خوانم من گفتم و البته به جای خواهم آورد و تقدیر نمودم و البته به وقوع خواهیم پیوست، ای سخت‌دلانی که از دادگری به دور هستید، سخن من را بشنوید من دادگری خویش را نزدیک آوردم و وسیله‌ی نجات من تأخیر نخواهد کرد.»

در باب چهل و هشتم در کتاب پیشعیا، چنین آمده است:

«خداوند او را دوست می‌دارد. پس شادی خود را بر بابل به جای خواهد آورد و بازوی او بر کلدانیان فرود خواهد آمد.

من سخن گفتم من او را فراخواندم و آوردم تا راه خود را خوشبخت سازد.»

در کتاب دوم تواریخ و کتاب عزرا، گوئی فرمانی از کوروش که به سبک خاص فارسی باستان نوشته شده بود است ترجمه شده است و آن چنین است :

«خداوند روح کوروش پادشاه پارس چنین می‌فرماید: خدای آسمان‌ها، همه کشورهای زمین را به من داده است و مرا امر کرده است ت برای وی خانه‌ای بنا کنم.» کوروش پس از رهائی قوم یهود از اسارت فرمان داد تا ظرف‌ها و تزئینات معبد یهود را باز پس دهند و در این باره در تورات چنین آمده است:

«و کوروش شاه ظرف‌های خانه خدا را که آن‌ها را از بیت المقدس آورده بود در خانه‌ی خدایان خود گذاشته بود بیرون

آورد و کوروش پادشاه آن‌ها را از دست «میتربدات» خزانه‌دار خود بیرون آورد و به «زروابیل» رئیس یهودیان داد.»

کوروش دستور داده بود تا معابد ویران شده را از نو بنا کنند و در این باره در اعلامیه‌ی خود چنین آورده است:

«شهرهای آن سوی دجله را که مدتی دراز پرستش‌گاه‌هایشان دستخوش ویرانی بود تعمیر کردم.» و در این باره در

کتاب عزرا باب چهارم چنین آمده است:

ما خانه‌ی خدای خود را چنان‌که کوروش شاه، پادشاه پارس فرمان داده است، بنا خواهیم کرد. آنگاه اهل زمین، ایشان

را در بنا نمودن و تنگ می‌آورند و در همه‌ی دوران کوروش کبیر شاه پارس تا پادشاهی داریوش پادشاه پارس، قصه‌ی

ایشان باطل گشت.» و در باب ششم آمده است:

«در سال اول پادشاهی کوروش شاه فرمان داد که آن خانه که قربانی‌ها در آن می‌گذرانیدند، بنا شود و بنیادش تعمیر

گردد و بلندایش شصت ذراع و عرضش شصت ذراع باشد به سه رده سنگ‌های بزرگ و یک رده چوب و خرجش از

خانه‌ی پادشاه داده شود و نیز ظروف طلا و نقره‌ی خانه خدا را که از هیکل بیت المقدس گرفته، به بابل آورده بودند

پس دهند و آن‌ها را به جای خود باز برند و در خانه‌ی خدا بگذارند. «

ب این امید که صدور نخستین اعلامیه حقوق بشر در تاریخ جهان به وسیله کوروش بزرگ که بیانگر روحیه ایران و ایرانی

است سرلوحه تصمیم‌گیری‌های سیاستمداران جهان قرار گیرد.